



مجید محمدی

رجوع به گذشته



پرویشگاه علوم انسانی و مطاب
پرتال جامع علوم انسانی

اشاره: در این نوشته به چرایی، انواع و مضامین عرضه شده توسط تکنیک سینمایی «رجوع به گذشته» (Flash back) پرداخته ایم. مثالهای بارز، عمدتاً از فیلم «آخرین امپراتور» ساخته برناردو برتولوچی برگرفته شده‌اند، زیرا در فیلم فوق که يك اثر تاریخی است و رفت و برگشتهای زیادی به گذشته و حال دارد، به نحوی موفق از این تکنیک استفاده شده است.

برخی معتقدند که «رجوع به گذشته» به طور کلی نمی‌تواند همانند برش، دیزالو، برش موازی، حرکت آرام یا سریعتر تصاویر و همانند آنها يك اصل باشد؛ بلکه يك تکنیک زمخت است که از آن چاره‌ای نیست. برای زمخت بودن آن نیز چند دلیل عرضه می‌کنند: اول آنکه این

تکنیک با تداوم زمانی روایت که مخاطب عمومی با آن آشناست، در تضاد است و اگر معتقد باشیم که سینما قرار است با مخاطب عادی و عمومی ارتباط برقرار کند، این هدف برآورده نمی‌شود. دوم آنکه کاربردهای ناشیانه و کلیشه‌ای آن باعث شده است که بخشهای مربوط به گذشته با بقیه فیلم، پیوستگی ساختاری و همخوانی نداشته باشند.

به هر حال، با همه زمخت بودن، به چند دلیل نمی‌توان این تکنیک را کنار گذاشت. اول وجود روایتی است که تداوم زمانی نداشته و به گونه‌ای به گذشته ارجاع دارند. گاه این روایتها کتش تصویری فوق العاده‌ای دارند و به دلیل چند بار رجوع به گذشته نمی‌توان از آنها گذشت. دوم اینکه انسان با خاطره‌ها و رؤیاهای گذشته و گاه امیدهای آینده‌اش زندگی می‌کند. «رجوع به آینده» نیز به همین دلیل قابل توجیه

است. این خاطره‌ها، رؤیاها و امیدها با زندگی - چه از نوع واقع‌گرایانه و چه از نوع آرمان‌گرایانه‌اش - پیوند دارند. سوم اینکه نمونه‌های موفق از کاربرد این تکنیک نیز وجود دارد که اصل وجود آن را تقویت می‌کند.

اکنون بینیم این تکنیک به چه صورت‌هایی در فیلم‌ها مورد استفاده قرار گرفته است:

الف: زیرنویس. ساده‌ترین روش رجوع به گذشته در فیلم، آمدن زیرنویس مربوط به زمان (و شاید مکان) در نمای بعد از نمای روایت زمان حال (فیلم) است. از این روش بهره بسیار گرفته شده و دیگر نیازی به ذکر نمونه‌های آن نیست. در فیلم‌های سینمایی، این عبارتها بسیار به چشم آمده است: «پکن، ۱۹۰۸»، «۲۶ جولای ۱۹۴۲»، «تبریز، ۱۲۱۹»، «بیست سال پیش»، «پنج سال قبل».

ب: گفتار روی فیلم: اگر در فیلم يك راوی وجود داشته باشد، این راوی یا متن گفتار خویش، رجوع به گذشته را نیز مشخص می‌کند. در فیلم خبری که در آغاز فیلم هم‌شهری کین پخش می‌شود، راوی با کلام خویش زمانهای گذشته را مشخص کرده و داستان زندگی کین را بیان می‌کند.

ج: گفتگو: قطع تصویری در گفتگوی بازیگران و شخصیتها نیز می‌تواند طریق انتقال به گذشته باشد. تصور کنید که بازیگر الف به بازیگر ب بگوید: «راستش وقتی من و X بچه بودیم...» و رجوع به گذشته از کلمه بچه آغاز شود. صحبت بازیگر در گذشته نیز می‌تواند ادامه پیدا کند. در این مورد، دیزالوگو یا تر از برش است.

د: سیاه و سفید شدن تصویر یا گذاشتن فیلتر

قرمز یا زرد نیز می‌تواند مفهوم رجوع به گذشته را به مخاطب انتقال دهد. این پدیده بعد از ساخته شدن فیلمهای رنگی مورد توجه قرار گرفته و از آن بسیار استفاده شده است. از رنگ عکسهای قدیمی که بر اثر گذشت زمان از سیاه و سفید به کرم نزدیک به خاکستری تبدیل می‌شوند نیز می‌توان یاد کرد.

ه: نزدیک شدن دوربین به صورت یا چشم بازیگر. استفاده زیاد از این روش، آن را به يك روش کلیشه‌ای و بسیار معمولی و عادی تبدیل کرده است. اساس این روش آن است که رجوع به گذشته در ذهن بازیگر روی می‌دهد و تأکید بر صورت یا چشم به معنای توجه مخاطب به ذهن بازیگر است که با این چند واسطه، تماشاگر متوجه رجوع به گذشته می‌شود.

و: حرکت آهسته تصاویر. کند شدن حرکت تصاویر علاوه بر تأکید یا بیان تفصیلی تر نماها (مثل يك قتل یا جنایت) می‌تواند رجوع به گذشته را نیز حکایت کند. دلالت این روش وقتی کامل می‌شود که چهره پردازای و صحنه‌آرایی نیز به کمک آن بیایند.

ز: محوشدن حاشیه تصویر. از این روش بر اساس آن تصور قدیمی که خاطرات محوو مبهم هستند استفاده شده است. محو بودن حاشیه تصویر بر اساس آن دیدگاه، در ذهن مخاطب این مطلب را القا می‌کند که تصاویر به گذشته تعلق دارند. این محوشدن می‌تواند در آغاز تصاویر مربوط به گذشته انجام گرفته یا در تمام تصاویر گذشته ادامه یابد.

ح: تداعی. يك نشانه، يك صدا یا يك تصویر می‌تواند عامل تداعی یا یادآوری



باشد. این تداعی گاه فقط در ذهن مخاطب و گاه در ذهن مخاطب و بازیگر با هم صورت می گیرد که حالت دوم آن ترجیح دارد. اولین رجوع به گذشته در فیلمنامه آخرین امپراتور این شیوه را منعکس می کند.

صحنه ۸: ...

پلان ۲- E. C. U. [نمای بسیار نزدیک] از صورت امپراتور سابق که به سمت در دستشویی نگاه می کند. دوربین، هر لحظه به او نزدیکتر می شود. نیمی از صورت او که از پنجره کوچک نور گرفته، روشن است و نیمه دیگر آن در تاریکی قرار دارد. صدای فرمانده زندان شنیده می شود که ضمن کوبیدن به در، دستور خود را تکرار می کند.

صدای فرمانده: در را باز کن، در را باز کن.
امپراتور، رنگ پریده و بدون حرکت، غرق در افکار و ذهنیات خود گویی که هیچ صدایی را نمی شنود.

صحنه ۹ و ۱۰

خارجی - داخلی، حیاط و اتاق خانه مادری امپراتور - روز

صدای کوبیدن در از پلان قبل هنوز به گوش می رسد. دوربین در حیاط خانه مادری امپراتور قرار دارد و در یک نمای عمومی، در بزرگ خانه را در کادر قرار داده است. از بیرون در را می کوبند. خدمتکاران با شتاب به جانب در می روند و دولنگه در سنگین را بازحمت باز می کنند. عبارت زیر برای سه ثانیه روی تصویر

سپری می شود:

پکن - ۱۹۰۸

در این دو صحنه، هم از روش زیرنویس و هم از روش تداعی استفاده شده است؛ ولی روش تداعی غلبه دارد. در روش تداعی نیز، هم تداعی قهرمان فیلم (امپراتور) و هم تداعی مخاطب مطرح است. صدای در و در زدن، هم امپراتور را به یاد گذشته می اندازد و هم مخاطب را به گذشته می برد. زیبایی کار فیلمنامه آخرین امپراتور این است که بازگشت به زمان حال نیز بر اساس یک تداعی (برای بازیگر و مخاطب) انجام می شود.

صحنه ۱۸

داخلی - اتاق خواب - روز

... ندیمه برای اوقصه می گوید.

ندیمه: در روزگاران گذشته، در یک جایی درخت بزرگی بود که میمونها روی آن بازی و جست و خیز می کردند. یک روز باد سهمگینی وزید و درخت را از ساقه شکست و فرو انداخت و آن وقت بود که میمونها پراکنده شدند.

ضمن بیان جملات فوق باز دیگر امپراتور را نشسته بر روی لگن و در حین قضای حاجت می بینیم.

صحنه ۱۹

داخلی - دستشویی ایستگاه - روز، ادامه صحنه ۷
امپراتور سابق، کف دستشویی بی حال و

رنگ پریده از هوش رفته است. فرمانده زندان که وارد شده است، بالای سر او نشسته و چند بار به او سیلی می زند. . . .

قصه گویی ندیمه در صحنه ۱۸ بخوبی از خواب و رؤیای امپراتور در کف دستشویی حکایت می کند. این امر با نشستن او بر روی لگن نیز تقویت می شود.

در دومین رجوع به گذشته در فیلم (صحنه های ۲۳ و ۲۴)، این «پوچه» برادر امپراتور است که عامل یادآوری گذشته قرار می گیرد. امپراتور تنها و زندانی، در اوج انتظار برادرش را ملاقات می کند و به یاد روزی می افتد که برای اولین بار برادر را در کاخ ملاقات کرده و بدون توجه به او از کنارش رد شده بود. تداعی پوچه، تضاد بر خورد ها را در دو موقعیت گوناگون نیز نشان می دهد. در اینجا رجوع به گذشته علاوه بر تداعی، کارکرد مفهومی خاصی نیز دارد. بازگشت از این یادآوری با کنار هم گذاری صدای يك كلاغ و صدای پویی که ندیمه اش را صدا می کند با سرود اسرا در محوطه زندان همراه است. این تعاقب نیز اوج سیاهی زندگی و بی پناهی امپراتور را از آغاز امپراتوری القا می کند.

سومین رجوع به گذشته با يك شخصیت که در گذشته وارد ماجرای داستان شده و کتابی نوشته، انجام می شود. در صحنه ۴۷ نام کتاب و نویسنده، و در صحنه ۴۸ خود او را می بینیم. چهارمین آنها نیز با عکسی از يك صفحه کتاب انجام می شود. در صحنه ۵۳ یکی از صفحات کتاب را می بینیم که عکس جانستن را همراه با يك دوچرخه نشان می دهد. و در صحنه ۵۴

جانستن را می بینیم که با دوچرخه وارد کادر می شود. در اینجا باز تداعی ذهنی فرمانده زندان که کتاب جانستن را مطالعه می کند و تداعی ذهنی مخاطب از دوچرخه (عکس) به دوچرخه (واقعی) مطرح است.

رجوع به گذشته بعدی با تداعی مفهومی انجام می شود. در صحنه ۷۱، امپراتور در پاسخ بازجو سخن از اصلاحات می گوید و در صحنه ۷۲، او از قطع گیسهایش سخن می گوید؛ اصلاحات مورد ادعای او از خودش آغاز می شود، گرچه محقق کردن آنها بسیار دشوار است. مخاطب نیز در اینجا بخوبی این رجوع را می فهمد. بازگشت از این یادآوری نیز کمک زیادی به مفهوم کلی فیلم یعنی سقوط يك امپراتور و نتایج روحی و عاطفی ناشی از آن می کند؛ در پایان صحنه ۸۱، دوربین روی کرین از زاویه آریب به عقب می رود و صدها تن



رجوع به گذشته و بازگشت از آن، علی رغم استفاده‌های زمختی که از آن در اکثر فیلمها شده، می تواند بسیار زیباتر، معنادارتر و القاکننده‌تر از وضعیت موجود آن باشد.

صحنه ۸۳

خارجی - صحن بزرگ شهر ممنوع - روز
پلان ۱ - دوربین از بالا به پایین زمین را نشان
می دهد. توپ تنیس در کادر می افتد. پسر
جوانی وارد کادر می شود. . . . خم شده، با
احترام توپ را به امپراتور می دهد. . . .

جانسنن: ۱۵ به صفر.

پلان ۲ - امپراتور آماده زدن سرویس است که
صدای شلیک چند گلوله باعث می شود که از
این کار منصرف شده و به صداها گوش دهد.

را که به حالت سجده روی زمین افتاده اند در کادر
قرار می دهد. در صحنه بعد امپراتور را
می بینیم که سرافکننده در برابر بازجو نشسته
است. بیشترین تضاد میان دو موقعیت با این
بازگشت به مخاطب القامی شود.

ششمین رجوع به گذشته در فیلم، با تلفیقی از
گفتگو، تداعی و القای مفاهیم تازه انجام
می شود. در این انتقال علاوه بر روایت گذشته،
از بر ایند دوبردار «اواخر صحنه ۸۲» و «اوایل
صحنه ۸۳» بردار و مفهوم تازه‌ای خلق
می شود.

پویی: فکرمی کنم که سال ۱۹۲۴ بود.
مجلس دوباره تعطیل شده بود. رییس جمهوری
گریخته بود. در آغاز من فکر کردم که آن هم
کودنای دیگری است که توسط یکی از امیران
ارتش صورت گرفته است؛ اما نمی دانستم که
این بار با دفعات قبل فرق داشت. این بار نوبت
من بود. این بار نوبت من بود.

صحبت پویی یعنی «این بار نوبت من بود» به
نمایی از زمین تنیس ختم می شود؛ در صحنه
بعد، هم واقعاً نوبت او در بازی تنیس است و
هم، نوبت بازی او در سیاست که ترك شهر
ممنوعه است. دو مفهوم نوبت (در بازی و در
زندگی سیاسی) در رجوع به گذشته بخوبی به هم
پیوند خورده اند. همچنین از بازی تنیس و عدم
موفقیت او (۱۵ به صفر) طبیعتاً به این نتیجه

پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

می‌رسیم که او در سیاست نیز همیشه عقب بوده است، حتی اگر نوشتش باشد.

هفتمین و هشتمین آنها به واسطه گفتگو و تداعی مفهومی انجام می‌شوند ولی نقش معنایی تازه‌ای ندارند. ولی نهمین رجوع به گذشته در فیلم تضاد بسیار روشنی را در امپراتوری پویی نشان می‌دهد. در آخرین نمای صحنه ۱۰۰، بازجو کنترل عصبی خود را از دست داده و کتابچه‌های اعترافات را با تمام قوا به سوی امپراتور و برادرش پرتاب می‌کند و اوج تحقیر آنها به نمایش گذارده می‌شود. ولی در صحنه ۱۰۱ و آغاز بخش یادآوری، امپراتور به ملکه می‌گوید: «من وارث حکومت بر منچوری هستم. بدون وجود من جنگ منچوری معنی نخواهد داشت.» امپراتور خود را بزرگ می‌بیند، ولی از آغاز، نقشی در تعیین سرنوشت ملت خود ندارد. رؤیاهای او با واقعیت هیچ‌گونه همخوانی نداشته و ندارند: «منچوری ثروتمندترین منطقه آسیاست... من می‌خواهم کشورم را آباد کنم.»

چنانکه در نمونه‌های یاد شده از فیلم آخرین امپراتور دیده شد، رجوع به گذشته فراتر از روشهای ساده زیرنویس، گفتار روی فیلم، گفتگو، رنگ، ابهام تصویری، کند شدن حرکت تصاویر و تأکید دوربین بر چهره، روشهای دیگری نیز دارد که هم فرایند انتقال به گذشته را انجام می‌دهند و هم مفهوم تازه‌ای به فیلم اضافه می‌کنند. در این روشها که تداعی مفهومی یکی از آنهاست، اجزای گذشته و حال فیلم به هم گره خورده و مفهوم تازه‌ای را خلق می‌کنند. براین اساس بازگشت از گذشته به حال نیز می‌تواند به نحوی تنظیم شود که به فیلم

چیزی اضافه کند.

نمونه‌های موفق دیگری از این مسئله را در فیلم وقایع نگاری یک مرگ از پیش اعلام شده (فرانچسکو روزی) می‌توان مشاهده کرد. در یک نما از فیلم، فرد مظنون به بی‌آبرو کردن دختر را مشاهده می‌کنیم که توسط دو نفر که قصد قتل وی را دارند دنبال می‌شود. او به درهای کلیسا می‌رسد و می‌خواهد به آنجا پناهنده شود. دودست او بر درهای کلیسا می‌خورند و در بسته می‌شود. این نما قطع شده و در پشت در، قهرمان فیلم را همراه با یک دختر مشاهده می‌کنیم که دختر در را می‌بندد. بستن در توسط دختر بخوبی مفهوم سوم یعنی رانده شدگی فرد مظنون از کلیسا را توسط مردم القای کند.

بنابر این رجوع به گذشته و بازگشت از آن، علی‌رغم استفاده‌های زمختی که از آن در اکثر فیلمها شده می‌تواند بسیار زیباتر، معنادارتر و القاکننده‌تر از وضعیت موجود آن باشد.

* همه بخشهای مربوط به فیلمنامه آخرین امپراتور از فیلمنامه چاپ شده‌ان با مشخصات کتاب شناسی زیر برگرفته شده است: مارک پیلو-بیرساردو برتونوچی، آخرین امپراتور، ترجمه ضیاءالدین دری، فرهنگ خانه اسفند، تهران، می‌تا.